

بررسی و ارزیابی راهبردهای دفاعی و نظامی جمهوری اسلامی ایران در جنگ تحمیلی*

حسین علایی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۶

چکیده: در این پژوهش به بیان و ارزیابی راهبردهای دفاعی و نظامی جمهوری اسلامی ایران در دوره جنگ تحمیلی پرداخته می‌شود و تحولات آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. شیوه و روش انجام این تحقیق از حیث رویکرد محقق، توصیفی - تحلیلی و از حیث تکنیک جمع‌آوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و اسنادی است. در این تحقیق سعی شده است به پرسش‌های مختلف در باره چیستی و چرایی اتخاذ راهبردهای دفاعی و نظامی در دوره جنگ تحمیلی پاسخ داده شود. در مجموع بررسی‌های این تحقیق نشان می‌دهد که راهبردهای نظامی ایران در جلوگیری از "پیشروی عراق" در خاک ایران و نیز "دفع تجاوز" و "آزادسازی سرزمین‌های اشغالی" کشور موفق بوده است ولی راهبرد ایران برای "خاتمه دادن به جنگ" از طریق انجام یک عملیات بزرگ سرنوشت‌ساز، ناموفق بوده است و باعث طولانی و فرسایشی شدن جنگ و نیز کاهش توان اقتصادی ایران و افزایش تلفات و تغییر موازنه قوا به نفع عراق شده است. از طرفی ایران، "راهبرد دیپلماسی" موفق در طول دوره دفاع مقدس نداشته است و سرانجام جنگ، نه با ابتکار نظامی - سیاسی جمهوری اسلامی ایران بلکه از طریق پذیرش تأخیری قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل به پایان رسیده است. در نهایت جمهوری اسلامی ایران توانسته است با راهبردهای اتخاذ کرده، "تمامیت ارضی" کشور را حفظ کند و جنگ را پس از هشت سال با ناکام گذاشتن صدام حسین و حزب بعث به پایان ببرد. ولی موفق نشده تا خسارات و غرامت جنگ را از عراق دریافت کند و اروندرود را لایروبی نماید و بنادر آبادان و خرمشهر و روستاهای جزیره آبادان و اروندکنار را به طور کامل فعال سازد و نخلستان‌های خوزستان را بازسازی کند.

واژگان اصلی: راهبرد، جنگ تحمیلی، ارتش متجاوز، دفاع، تهاجم.

۱. استاد دانشگاه جامع امام حسین(علیه السلام)، تهران، ایران (نویسنده مسئول). alaei_hossein@yahoo.com

* این مقاله مستخرج از پروژه پژوهشکده دفاع مقدس پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس شهید سپهبد پاسدار حاج قاسم سلیمانی است و از حمایت مادی و معنوی آن برخوردار شده است.

مقدمه

جنگ عراق علیه ایران مربوط به دوران تاریخی خاص خود و حاصل زمان حاکمیت حزب بعث بر کشور عراق بوده است که حدود ۱۹ ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی رخ داده است. این جنگ در ساختار دو قطبی جهان آن روز و در دوره جنگ سرد اتفاق افتاده و یک بحران منطقه ای را در خاورمیانه بوجود آورده است. در چنین وضعیتی، جنگ تحمیلی مقاطع گوناگونی را برای مدت ۸ سال طی کرده است. این جنگ فراز و نشیب ها و پیروزی ها و شکست های عملیاتی متعددی برای طرفین آن داشته است.

اما در نهایت عراق که جنگ را آغاز کرده بود نتوانست به تصرف سرزمین های اشغالی ایران ادامه دهد و به هیچیک از اهدافش در برپایی از جنگ نرسید و راهبردهایش تا حد زیادی شکست خورد. ولی ایران توانست در سال اول جنگ با اتخاذ "راهبرد نظامی تدافعی" در ابتدا، پیشروی دشمن را متوقف نماید و سپس در سال دوم جنگ با بهره گیری از "راهبرد نظامی تهاجمی"، ارتش عراق را از عمده سرزمین های خود بیرون کند. از سال سوم جنگ، ایران به دنبال پیشیمان کردن عراق از حمله به ایران بود ولی راهبرد جمهوری اسلامی ایران منجر به طولانی و فرسایشی شدن جنگ شد. ایران دارای راهبرد دیپلماسی برای بهره گیری از پیروزی میدان و جبهه ها برای خاتمه دادن به جنگ نبود. بنابراین خاتمه جنگ با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل تحقق یافت.

در این تحقیق در پی آنیم تا بررسی کنیم و ببینیم که:

- ۱- واکنش راهبردی جمهوری اسلامی ایران نسبت به تهاجم ارتش عراق چه بوده است؟
- ۲- جمهوری اسلامی ایران چه راهبردهایی را در مقاطع مختلف جنگ اتخاذ کرده است؟
- ۳- ایران چگونه آن راهبردها را به اجرا درآورده است؟
- ۴- راهبرد های دفاعی و نظامی ایران در شرایط مختلف دچار چه تغییرات و تحولات و اصلاحاتی شده است؟

برای پاسخ به سوالات فوق و با عنایت به موضوع تحقیق، از روش توصیفی- تحلیلی استفاده شده است. با توجه به ماهیت پژوهش که به دنبال تبیین و تحلیل راهبردهای ایران در یکی از مهم ترین وقایع تاریخ معاصر ایران یعنی جنگ تحمیلی می باشیم، روش توصیفی - تحلیلی می تواند مفید باشد. در این روش می توان از اطلاعات و داده های پژوهش های توصیفی، تاریخی، تحلیلی و تفسیری بهره برد و این موضوع باعث درک و فهم بهتر پدیده ها و دریافت بهتر راهبردهای

تنظیم شده و اجرا شده در گذشته و درک روندهای قبلی می شود.

نتایج حاصل از این تحقیق نشان می دهد که گرچه جمهوری اسلامی ایران قبل از شروع جنگ، فاقد یک راهبرد مشخص دفاعی و نظامی در برابر عراق بوده است ولی اکثر راهبردهای ایران در طول جنگ، دفاعی بوده است. جمهوری اسلامی ایران به دنبال آن بوده تا نگذارد ارتش عراق به اهدافش از حمله به ایران دسترسی پیدا کند و معاهده ۱۹۷۵ الجزیره را نادیده بگیرد و از طرفی تمامیت ارضی ایران را حفظ کند و متجاوز را محکوم نماید.

پیشینه پژوهش

خوشبختانه در باره حوزه های مختلف و ابعاد گوناگون دفاع مقدس و جنگ عراق با ایران تا کنون کتاب ها و مقالات زیادی به رشته تحریر درآمده است اما طی سال های اخیر به مسائل مربوط به راهبردهای ایران در جنگ تحمیلی در مقالات علمی و کتب فارسی چندان پرداخته نشده است. می توان گفت که این تحقیق در نوع خود جدید و بدیع و تازه می باشد و تا کنون مطالعه منسجمی در باره راهبردهای نظامی جمهوری اسلامی ایران در دوره جنگ هشت ساله منتشر نشده است. به نظر میرسد که اساتید، دانشجویان، نویسندگان و پژوهشگران محترم نسبت به این نوع تحقیقات در باره مسأله راهبرد دفاعی و نظامی توجه کافی نکرده اند. بنابراین متون مکتوب و ادبیات لازم در باره راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در دوره جنگ در تحقیقات انجام شده تا کنون در ایران بسیار کم است و بنابراین منابع آن نیز محدود می باشد.

مقالات و کتاب هایی که تا کنون منتشر شده و در آنها اشاراتی به راهبردهای جنگ تحمیلی و چگونگی تصمیم گیری ها در این حوزه شده به شرح است:

۱- کتاب "تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق" نوشته: حسین علیایی

این کتاب ماهیت توصیفی- تحلیلی دارد و در آن تمامی تحولات جنگ تحمیلی از آغاز تا پایان مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در لابلای فصول دهگانه کتاب به راهبردهای ایران و عراق در هر مقطعی از جنگ نیز اشاره شده است و دلایل شکست راهبردهای نظامی عراق بیان شده است. همچنین تحول در راهبردهای نظامی ایران نیز مورد بررسی و تبیین قرار گرفته و ارزیابی شده اند.

۲- مقاله "استراتژی جنگ و رفتار سیاست خارجی" نوشته: ایرج همتی و ابوالفضل دلاوری،

چاپ شده در فصلنامه پژوهشنامه علوم سیاسی شماره سوم، تابستان سال ۱۳۹۴

۳- کتاب "تجزیه و تحلیل استراتژی نظامی عراق در جنگ با جمهوری اسلامی ایران" نوشته:

فرهاد درویشی

آقای دکتر فرهاد درویشی یکی از راویان دوره جنگ تحمیلی بوده است که در دانشگاه بین المللی امام خمینی در قزوین مشغول تدریس و تحقیق می باشد. او در این کتاب به دلایل و علل تجاوز عراق به ایران پرداخته است و راهبرد عراق را با اتخاذ استراتژی نظامی هجومی در آغاز جنگ تشریح و ارزیابی کرده است. سپس به راهبرد نظامی عراق برای دفاع از سرزمین های اشغالی ایران پرداخته و در ادامه استراتژی دفاع مطلق و همه جانبه عراق برای جلوگیری از تداوم جنگ در داخل خاک عراق را توضیح داده است. آنگاه به راهبرد عراق برای توسعه دامنه جنگ پرداخته و به استراتژی دفاع متحرک عراق پس از عملیات والفجر ۸ رسیده و سپس دوره گذار از راهبرد دفاعی به تهاجمی را که عراق در سال آخر جنگ اتخاذ کرده است توضیح می دهد. در نهایت هم نقاط قوت و ضعف استراتژی عراق در کل دوره جنگ را بررسی و ارزیابی کرده است.

۴- مقاله "تحلیل سیاست دفاعی امام خمینی در دفاع مقدس" نوشته زهرا فروتنی، چاپ شده

در فصلنامه سیاست دفاعی، شماره ۹۷، زمستان سال ۱۳۹۵

۵- کتاب "طولانی ترین جنگ" نوشته: Dilip Hiro با ترجمه علیرضا فرشچی

نویسنده در این کتاب سعی کرده است رویارویی نظامی ایران و عراق را توصیف کند و از ریشه های اختلاف بین دو کشور سخن بگوید و راهبرد صدام را برای گسترش خط ساحلی عراق در خلیج فارس از طریق جنگ با ایران و سپس با کویت توضیح دهد.

۶- مقاله بررسی مقایسه ای راهبردهای جمهوری اسلامی ایران و عراق در دوران جنگ از

دیدگاه فرماندهان دوران دفاع مقدس، چاپ شده در فصلنامه سیاست دفاعی، شماره ۹۷،

زمستان سال ۱۳۹۵

۷- کتاب "رویارویی استراتژی ها" نوشته: حسین اردستانی

۸- رساله دکتری آقای محمدحسن محقق در باره راهبرد ایران در جنگ

۹- کتاب "نظام مدیریت استراتژی دفاعی": حسین چگینی

۱۰- جزوه راهبرد دفاع مقدس، تحقیق اولیه: سردار احمد غلامپور و آقای درخور

۱۱- کتاب "تاریخ نظامی استراتژیک جنگ ایران و عراق" نوشته: ویلیام شون موری

۱۲- کتاب "عراق از جنگ تا جنگ" نوشته: غسان شریل در لبنان

۱۳- کتاب "جنگ و صلح، بررسی مسائل نظامی و استراتژیک" نوشته: علیرضا ازقندی

۱۴- کتاب "در باره جنگ و استراتژی" نوشته: فرهاد درویشی سه تلالنی

با بررسی و مطالعه کتاب ها و تحقیقات انجام شده تا کنون، می توان به این نتیجه رسید که تا کنون کتاب مستقلی در باره راهبردهای دفاعی و نظامی جمهوری اسلامی ایران در جنگ تحمیلی منتشر نشده است. شاید یکی از دلایل آن عدم احساس نیاز و یا مشکلات مربوط به دسترسی به اسناد طبقه بندی شده و مدارک محرمانه جنگ بوده است.

مبانی نظری راهبرد

اولین بار یونانی ها از کلمه استراتژی برای تدوین برنامه جنگی توسط ژنرالها و فرماندهان عالی نظامی استفاده کردند. در واقع این کلمه از واژه یونانی Strategos مشتق شده و به معنای "مدیریت نظامی" و به مفهوم هنر فرماندهی^۱ است. کلمه یونانی استراتجوس به معنای برنامه ریزی برای شکست دادن قوای دشمن از طریق استفاده اثربخش از منابع مختلف می باشد. (Bracker, 1980: 5)

اما اصل مفهوم استراتژی از یونان نشأت نگرفته است، بلکه کتاب "هنر جنگ" اثر کلاسیک سان تزو در حدود ۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح به عنوان اولین شرح و اولین تعریف در مورد استراتژی شناخته می شود. بنابراین مفهوم راهبرد از دل جنگ های مختلف و بیکارهای نظامی شکل گرفته و برای غلبه بر دشمن و کسی که برای پیکار در جبهه مقابل دیگری صف آرایی کرده است، ابداع شده است.

"راهبرد" به معنای صحیح عمل کردن در زمان و مکان مناسب و دست یافتن به نتایج مطلوب می باشد. استراتژی در حقیقت "نقشه" ای برای حرکت و عمل جهت رسیدن به "هدف" است. اگر ندانیم به کجا میرویم دیگر فرقی نمی کند که چه راهی را در پیش بگیریم. در واقع استراتژی یک برنامه جامع برای عمل و اقدام است که جهت گیری های عمده کشور و نیروهای مسلح و قوای نظامی را معین و مشخص می کند و رهنمودهایی را برای چگونگی تخصیص منابع در مسیر کسب اهداف بلند مدت ارائه می دهد. در این تعریف از استراتژی، مشخص میشود که یک راهبرد باید مشخص کند، "چه اهدافی" باید تحقق یابند و فرماندهان بر روی "کدام جبهه ها" و کدام مناطق عملیاتی و "چه نوع عملیاتی" باید قوای خود را متمرکز کنند. چگونه برای بهره برداری از

^۱ - Art of Generalship

فرصت های محیطی و مواجهه با تهدیدهای محیطی به منظور کسب برتری نسبت به دشمن، منابع مختلف تخصیص یابند و چه فعالیت هایی باید انجام گیرد تا دسترسی به اهداف ممکن شود. و در نهایت چه راهی برای رسیدن به برتری پایدار نسبت به دشمن و نیل به پیروزی وجود دارد.

استراتژی الگوی تصمیم هایی است که در هر سازمانی اخذ می شود و فعالیت ها و نتایج مورد نظر را شکل می دهد. راهبردهای خوب، ابزار رقابتی محسوب می شوند و راهبردهای نامناسب ضعف های عمده هر سازمانی محسوب می شوند. پس راهبرد الگویی بنیادی از اهداف فعلی و برنامه ریزی شده، بهره برداری و تخصیص منابع و چگونگی رفتار یک واحد نظامی با دشمن، رقبا و دیگر عوامل محیطی است.

راهبردها، "باید"ها و "نباید"های هر سازمان را مشخص می کنند. راهبرد ترکیبی از تجزیه و تحلیل^۱ وضعیت و اقدام و عمل^۲ است. استراتژی انتخاب شیوه و راهی مناسب به منظور چگونگی فائق آمدن بر رقیب و یا دشمن می باشد. راهبرد پلی بین وضعیت امروز و فردای مطلوب است. پایه و بنیاد استراتژی در "تفکر استراتژیک" قرار دارد و تفکر راهبردی^۳ است که راهبردهای مختلف را بوجود می آورد. یک راهبرد مجموعه ای از تصمیمات و اقدامات هماهنگ و به هم مرتبط است که فرماندهان با بسیج تمامی منابع برای افزایش عملکرد واحدهایشان در نیل به اهداف عملیاتی و یا حفظ برتری بر دشمن در محیط متلاطم جنگی بکار می گیرند. راهبردها "ابزار"هایی هستند که با کمک آنها سازمان ها مشخص می سازند که بهره گیری از چه منابعی ضروری است تا به اهداف درازمدت شان بتوانند برسند. اهداف بایستی ملموس و دست یافتنی و کاملاً واضح و مشخص باشند تا امکان تحقق آنها وجود داشته باشد. بنابراین راهبرد برنامه ای کلی و اساسی برای دستیابی به اهداف و مأموریت های اصلی تعیین شده برای نیروهای مسلح است.

هر راهبردی دارای سه جزء اساسی "هدف"، "ابزار" و "مسیر دستیابی" به هدف می باشد. بنابراین می توان گفت: استراتژی راهی است که رسیدن به هدف را تضمین نموده و جهت گیری سازمانی را برای بکارگیری توانمندی های سازمانی و بهره گیری از فرصت ها فراهم می سازد. "هدف"، جهت دهنده به یگان های نظامی است و بیانگر آن است که به کجا باید رفت و مسیر دستیابی به هدف بیان کننده آن است که "چگونه" و با چه تاکتیک هایی و با چه ابزارها و با بهره گیری از چه جنگ افزارهایی

1 - Analysis

2 - Action

3- Strategic thinking

باید به سمت هدف حرکت کرد. پس راهبرد در واقع یک "چراغ راهنما" برای تصمیمات اساسی و تعیین کننده برای مسئولین کشور و فرماندهان واحدهای نظامی است. شش جزء استراتژی عبارتند از:

- ۱- چشم انداز^۱ یا چگونگی نگاه به آینده
- ۲- برنامه ریزی و چگونگی اداره^۲ یگان های رزمی
- ۳- رهبران سیاسی و ذینفعان^۳
- ۴- چگونگی استفاده از فناوری^۴
- ۵- هشپاری کلی نسبت به دشمن و آگاهی جهانی^۵
- ۶- خلق ارزش یا ارزش آفرینی^۶

اما با نگاه میتزبرگ استراتژی یک طرح^۷ کلی است و عملیات و تدابیر لازم را جهت نیل به مطلوبیت های اساسی یک سازمان از طریق تعیین اهداف، اتخاذ شیوه کار و تخصیص منابع مشخص می کند. با این تعریف، استراتژی رهنمود یا رهنمودهایی برای یک وضعیت مشخص است، راهبرد اقدام آگاهانه در مسیر مورد نظر، تصور و طراحی برای اقدام، اقدام هدفدار و با نتیجه می باشد. بنابراین راهبرد یک وسیله و برنامه ای برای رفتن از اینجا که وضع موجود است به آنجا که هدف یا وضع مطلوب است می باشد و یک "چگونه" است. با این تعریف، استراتژی یک فرآیند^۸ است که باید دارای ویژگی های خاص و منحصر به فرد برای هر واحد نظامی باشد. اما طرح ریزی نگاه رو به جلو دارد تا بتواند تشکیل استراتژی را از طرق مختلف برنامه ریزی نماید. با این تعریف، استراتژی نوعی فعالیت آگاهانه است که برای مقابله با وضعیت یا رخدادی خاص در آینده پیش بینی می شود. در واقع استراتژی مانوری زیرکانه در مقابل راهبرد دشمن می باشد. از سوی دیگر استراتژی به مفهوم کارهایی است که نباید انجام داد. در حالی که برنامه به مفهوم کارهایی است که یک سازمان باید انجام دهد.

1- Vision

2- Planning & Administration

3- Stakeholders

4- Leveraging Technology

5- Global Awareness

6- Value Creation

7- Plan

8- Process

تعریف دیگر راهبرد صف آرای^۱ است که به مفهوم "ترفندی" ویژه و یا مانوری خاص و زیرکانه به منظور گول زدن و فریب دادن دشمن می باشد. بنابراین صف آرای شناسایی عوامل موثر بر گسترش سازمان، لحاظ کردن عوامل تحدید کننده، پیش بینی چگونگی غلبه بر حریف و تخصیص منابع مالی، انسانی و فنی می باشد.

یک تعریف دیگر برای راهبرد، بررسی و انتخاب الگو^۲ است، یعنی ایجاد تمهیدات و بسترسازی لازم برای پیاده سازی الگوهای منتخب می باشد و روشی برای رسیدن از وضع موجود به وضع مطلوب است. بنابراین شناخت وضعیت موجود و قبول فاصله آن با وضع مطلوب ضروری است. با این تعریف، استراتژی الگویی در جریان تصمیمات و برای انجام اقدامات در طول زمان است. استراتژی در برگیرنده کلیه حرکت ها و عملکرد های سازمان برای تحقق برنامه ها است.

به عنوان مثال، سپاه که در جنگ از راهبرد تهاجمی در جبهه ها استفاده می کرد و یا یک شرکت که به طور منظم محصولات بسیار گران را به بازار عرضه می کند، از استراتژی "سطح بالایی" استفاده می کند. بنابراین الگو نمونه‌هایی از اقدامات بلند مدت و کوتاه مدت، شیوه‌های کسب موفقیت و ارائه سیاست ها و برنامه‌های بدون نقشه اولیه اما با فکر قبلی می باشد. بنابراین راهبرد به این مفهوم، توسعه دیدگاه مشترک و ایجاد بینش صحیح نسبت به واقعیات می باشد.

پس با این تعریف استراتژی به عنوان الگویی از تصمیمات شناخته می شود که این تصمیمات در پیچیدگی ارتباطات میان سطوح مختلف استراتژی و وابستگی متقابل میان آنها اشاره می کنند. (Chakravarthy, 2007:642)

تعریف دیگری از استراتژی به مفهوم موضع یا موقعیت^۳ است. یعنی قرار دادن وضعیت هر یگان و یا سازمان در محیط عملیات است و به شرایطی اشاره می کند که چگونه هر یگان و هر رزمنده می تواند در آن موضع و در آن شرایط مناسب از خود دفاع کند. این مفهوم در تجارت منعکس کننده تصمیمات برای ارائه محصولات یا خدمات خاص در بازارهای خاص است. در این دیدگاه استراتژی یک نیروی میانجی و یا هماهنگ کننده بین سازمان و محیط اش یا به عبارتی بین موقعیت درونی و بیرونی محسوب می شود. بنابراین راهبرد وضعیت توجه بالقوه به بُعد خارجی سازمان، تعیین مکانی برای تمرکز منابع سازمان، وسعت و قلمرو تهدید و شناسایی نیروهای واسط بین سازمان و محیط آن می باشد.

^۱- ploy

^۲- pattern

^۳- position

در این باره سان تزو می گوید: "سرکوب کردن دشمن بدون جنگیدن نقطه اوج مهارت است. وقتی توانمند هستی وانمود کن که توان نداری و هنگامی که فعال هستی وانمود کن که فعالیت نداری" و یا "به دشمن طعمه نشان بده و او را طعمه کن". "وانمود کن که وضعیت خوبی نداری و سپس به او حمله ور شو". این جملات برگرفته از تعریف راهبرد به عنوان موضع است.

تعریف استراتژی به عنوان یک **منظر و دیدگاه**^۱ به درون سازمان و منابع آن توجه دارد و از روشی عمیق و ریشه دار برای درک محیط اطراف تشکیل شده است. یعنی آینده نگری و جهت گیری به سمت وضع مطلوب است. بنابراین توجه بالقوه به بعد خارجی سازمان، درک جمعی از نوع حرکت سازمان، چگونگی اجرا یا اقدام جمعی، دیدگاه مشترک میان اعضای سازمان، در نظر گرفتن نوع تصور ذهنی پایدار نسبت به محیط و جهان تعریف راهبرد به عنوان یک دیدگاه می باشد.

تعریف راهبرد به عنوان **ترویج و پیشرفت**^۲ ترسیم چگونگی ابعاد رشد سازمان و فرآورده‌های آن، فرآیندهای حداکثر سازی موفقیت، توسعه فراگیر، متوازن، پیوسته و همبسته، اجرای برنامه‌های بلند مدت و کلیدی می باشد. با این تعریف راهبرد می تواند افزایش "قدرت رزمی" از طریق توسعه تعداد یگان های عملیاتی و یا تغییر در ترکیب و توانمندی های آنها باشد.

طبیعی است که انتخاب نوع استراتژی در جبهه ها بستگی به بافت یگان های موجود دارد که در حمله و در دفاع و در مانورها به کار می رود. استراتژی در واقع یافتن و اجرا کردن راهکارهای جدید برای نیل به پیروزی قطعی است.

در مجموع استراتژی یک مفهوم چند بعدی است که در بر گیرنده کلیه فعالیت‌های اساسی هر سازمان بوده و باعث ایجاد حس یکپارچگی، وحدت و همسوئی برای حفظ موجودیت یک تشکیلات و موفقیت آن در صحنه عملیات می شود و تغییرات ضروری القائی از محیط را نیز تسهیل می کند.

با توجه به تعاریف فوق استراتژی حاوی نکات زیر است:

۱- داشتن تصویری جامع از محیط عملیاتی و تعیین جایگاه واحدهای خودی در آن

۲- داشتن هدف های بلندمدت^۳ و فداکردن فرصت های آنی برای پیروزی در آینده و احتراز

از غافلگیری

^۱ - perspective

^۲ - Promotion

^۳ - Long term Objectives

- ۳- تعیین رسالت^۱ و مأموریت یگان های رزمی
- ۴- نگرش بلند مدت در تخصیص منابع و تصمیم گیری ها
- ۵- ضرورت انجام هماهنگی های درون سازمانی و تعهد مشترک عمومی در قبال برنامه و مسیر حرکت برای غلبه بر دشمن
- ۶- اتخاذ سیاست^۲ های مناسب و تأکید بر تمرکز منابع برای تحقق هدفهای عملیاتی
- بنابراین استراتژی عبارت از این است که قوای نظامی چگونه مأموریت های خود را برای نیل به اهداف تعیین شده انجام می دهند؟ طبیعی است که نیل به اهداف درازمدت بیانگر درست بودن راهبرد و شاخص میزان موفقیت راهبرد تعیین شده می باشد.
- اما استراتژی نظامی را می توان در تصمیمات و اقدامات دولت و نیروهای مسلح مشاهده کرد زیرا راهبرد دفاعی توسط آنها، اجرایی می شود. در واقع با بررسی بیانیه های رسمی کشور و اطلاعیه های نیروهای مسلح می توان از رفتارهای واقعی هر کشور مطلع شد و اهداف برنامه های آینده را حدس زد و راهبرد در حال اجرا را استنباط کرد. بنابراین تأمل در امور زیر برای یافتن راهبرد هر کشور مفید است:

• کشور، بودجه و درآمدهای خود را در کجا مصرف و سرمایه گذاری می کند؟

مطالعه بودجه سالانه کشور، تفکیک دقیق هزینه های اداره کشور از هزینه های مستقیم و غیر مستقیم جنگ و نیز اعتبارات تخصیص یافته به نیروهای مسلح می تواند بیانگر راهبرد اتخاذی باشد.

• دولت و نیروهای مسلح در حال توسعه چه فناوری هایی و ساخت چه تجهیزات و

جنگ افزارهایی هستند؟

مطالعه بر روی تولیدات صنایع نظامی و نیز برنامه های توسعه ای آنها در دوره جنگ می تواند در یافتن راهبردهای نظامی هر دوره موثر باشد.

• چه نوع سلاح ها و خریدهای جدیدی برای نیروهای مسلح انجام شده است؟

نوع خرید تسلیحات و تجهیزات و میزان و حجم آنها نیز بیانگر برنامه های عملیاتی برای اجرای راهبرد تعیین شده در هر مقطع از جنگ است.

¹ - Mission

² - Policy

• چه نیروهای جدیدی بکار گرفته شده اند و چه طرح هایی برای جذب نیروهای داوطلب

و یا سربازان وجود داشته است؟

هر نوع برنامه ای برای جذب رزمندگان جدید، بیانگر طرح های اجرایی جهت عملی کردن راهبرد است. برای مثال برنامه ایران در آذر ماه سال ۱۳۶۵ جهت اعزام سپاه یکصد هزار نفری محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم از بین مردم داوطلب مشخص کننده راهبرد تهاجمی ایران برای یک عملیات بزرگ سرنوشت ساز بود.

بنابراین اگر بخواهیم بصورت مختصر بیان کنیم که نکات مهم جهت شناسایی استراتژی هر مقطع از دوران جنگ چیست باید این نکته را بدانیم که برای شناسایی راهبرد نظامی، استفاده از منابع مختلف اطلاعاتی به منظور ایجاد تصویری کلی از آنچه در جبهه ها انجام شده است ضروری است.

چگونگی تنظیم راهبردهای نظامی ایران در دوره جنگ تحمیلی

برای اتخاذ یک راهبرد نظامی صحیح بایستی هدف های نظامی بگونه ای تعیین شوند که با دسترسی به آنها، بتوان اهداف سیاسی جنگ را تأمین نمود. بر این اساس از ابتدای شروع جنگ، راهبرد نظامی ایران، دفع تجاوز و جنگیدن با قوای ارتش متجاوز عراق تا بیرون راندن آخرین سرباز دشمن از خاک ایران، تعیین شد. بر همین اساس در سال اول جنگ، بیشتر عملیات های انجام شده ایران به منظور جلوگیری از پیشروی بیشتر ارتش عراق در خاک ایران صورت می گرفت. تلاش بر این بود تا با حملات پی در پی به مواضع قوای دشمن، ارتش عراق زمینگیر شده و در موضع دفاعی قرار گیرد.

تدوین و تنظیم راهبرد نظامی مناسب وظیفه فرماندهان عالی و ستاد آنهاست. مهم ترین راهبرد نظامی ایران، راهبرد آزادسازی سرزمین های اشغالی کشور بوده است. در اجرای این راهبرد توانایی های ارتش و سپاه به صورت مکمل یکدیگر در صحنه هر عملیات بکار رفته اند. در دوره جنگ تحمیلی راهبرد عملیاتی ایران بویژه در سپاه پاسداران بر اساس اصول زیر تنظیم می شده است.

- ۱-هدف گذاری جهت تسلط قوای ایران بر عارضه های حیاتی و آزادسازی مناطق مشخص
- ۲-کسب اطلاعات از وضعیت دشمن و بررسی مداوم چگونگی آرایش و گسترش جبهه ها
- ۳-بهره گیری از نقاط ضعف ارتش عراق در گسترش^۱ یگانها و در خطوط درگیری

^۱- Deployment

۴- استفاده از فرصت هایی که ارتش عراق برای رخنه به مواضع خود برای قوای ایران ایجاد می کرد

۵- اجتناب از تک جبهه ای و عدم برخورد با نقاط قوت ارتش متخاصم

البته همیشه در طرح ریزی عملیات های مختلف، از اصول فوق تبعیت نمی شد. گاهی اوقات در مرحله اجرای طرح های عملیاتی، تک های احاطه ای و دورانی با تدابیری که یگان های دشمن در آرایش دفاعی خود بکار گرفته بودند، عملاً به یک تک جبهه ای تبدیل می شد که موجب شکست در عملیات ها می شد. عملیات های رمضان، والفجر مقدماتی و کربلا ۴ مصداق چنین وضعیتی هستند.

راهبردهای دفاعی و نظامی جمهوری اسلامی ایران در برابر تهدید عراق

در دوره قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، چگونگی استقرار نیروهای مسلح ایران در نقاط مختلف کشور بر اساس پیمان سنتو بوده است. ایران، ترکیه، پاکستان و عراق عضو پیمان سنتو بودند و ارتش های خود را تحت هماهنگی با سیاست های آمریکا در مقابل تهدید شوروی آرایش داده بودند. ولی اگر نگاهی به آرایش لشکرها و تیپ های نیروی زمینی و نیز چگونگی گسترش پایگاه های هوایی ایران در دوره قبل از انقلاب بیندازیم مشخص می شود که ایران، تهدید اصلی خود را عراق محسوب می کرده است و به دنبال حفظ امنیت خلیج فارس بوده است. بر همین اساس لشکر ۶۴ در آذربایجان غربی، لشکر ۲۸ در کردستان، تیپ ۸۴ در خرم آباد، لشکر ۸۱ در کرمانشاه و لشکر ۹۲ در خوزستان سازماندهی شده بودند.

راهبرد ایران در برابر عراق در آن زمان "تهدید محور" بوده و بر مبنای "بازدارندگی" و "پیشگیری" از عملی شدن تهدید تنظیم شده بوده است. بر این اساس راهبرد دفاعی و نظامی ایران در برابر عراق، مبتنی بر حفظ برتری توان نظامی ایران نسبت به عراق بوده است. قدرت نظامی ایران نیز متکی بر توسعه توان ارتش بویژه ایجاد برتری در نیروی هوایی و هوانیروز برای مقابله با ارتش عراق بوده است. علاوه بر آن ایران، گردهای بارزانی را در شمال عراق آموزش داده و به مدت ۱۳ سال علیه حکومت عراق تسلیح کرده بود و از طریق آنها فشار بر دولت عراق را افزایش می داد. هرگاه گردها دچار ضعف در برابر ارتش عراق می شدند، توپخانه ارتش ایران با خدمه ایرانی به کمک آنها می شتافت و گاهی حتی واحدهایی از پدافند هوایی ایران در منطقه کردستان عراق مستقر می شدند و پوشش هوایی را برای بارزانی ها برقرار می کردند. از جمله در سال ۱۳۵۳ سیستم پدافند هوایی موشکی رایپر که ایران از انگلستان خریده بود به کمک گردها شتافت.

از طرفی ایران حمایت آمریکا و انگلیس را برای پشتیبانی های نظامی از خود جلب کرده بود و با برقراری رابطه نزدیک با اسرائیل سعی در ایجاد فشار سیاسی و روانی بر عراق داشت. از سوی دیگر ایران با کشیدن خط لوله گاز به شوروی و فروش گاز با یک سوم قیمت بین المللی به آن کشور، خرید بعضی از تسلیحات نظامی مثل توپخانه ۱۳۰ م م را نیز از شوروی به جای دریافت پول گاز آغاز کرد و سعی نمود تا حمایت سیاسی شوروی از عراق را نیز کاهش دهد. در آن زمان عراق با شوروی پیمان نظامی ۱۵ ساله امضاء کرده بود و عمده تسلیحات و تجهیزات نظامی عراق از سوی شوروی تأمین می شد.

بنابراین می توان گفت که راهبرد ایران در برابر عراق در قبال از پیروزی انقلاب اسلامی، متکی بر "حمایت سیاسی و نظامی آمریکا"، "قدرت نظامی وابسته"، "بازدارندگی"، "برتری تسلیحاتی" بویژه در نیروی هوایی و هوانیروز و "سازماندهی فشار امنیتی" بر دولت عراق از طریق گردها در درون آن کشور بوده است.

اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران دست اندرکار تشکیل نظام جدید بوده است. در چنین وضعیتی یک دولت منسجم در کشور بر سر کار نبوده است تا بخواهد و بتواند به موضوع راهبرد دفاعی در برابر تهدید عراق فکر کند. ارتش هم که تنها ابزار قدرت دفاعی کشور بوده است دچار بهم ریختگی شده بود و در برزخ بین بقاء و انحلال سیر می کرد و آمادگی رزمی نداشت. (صفوی، ۱۳۹۹: ۲۲۹)

با پیروزی انقلاب اسلامی، راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران "کنار گذاشتن آمریکا" از سلطه بر ارتش کشور و خارج کردن ارتش ایران از انجام مأموریت های تعیین شده توسط آمریکا در منطقه و نیز "کوچک سازی ارتش" بوده است. گرچه ایران همواره عراق را به عنوان یک تهدید بالقوه در همسایگی خود تلقی می کرده است، اما جمهوری اسلامی پس از تشکیل نظام جدید، قادر به تنظیم یک راهبرد دفاعی بازدارندگی نبوده است تا بتواند از تهدید پیشگیری کند یا آن را مدیریت کند.

جمهوری اسلامی ایران باور نداشته است که عراق قصد جنگ با همسایه شرقی خود را دارد، بنابراین قبل از شروع جنگ، راهبرد خاصی را برای دفاع مشخص نکرده است. اما هر دو کشور ایران و عراق از حدود ۶ ماه قبل از شروع جنگ، عملاً راهبرد "تهدید در برابر تهدید" را علیه یکدیگر اتخاذ کرده اند و هیچیک از طرفین حاضر به کوتاه آمدن از مواضع سیاسی خود نبوده است. بر اساس همین راهبرد، جمهوری اسلامی ایران در برابر تجاوزات مرزی عراق، واکنش نظامی نشان داده است. در برابر تجهیز و تسلیح حزب دموکرات توسط عراق، ایران نیز بارزانی ها

را مسلح و تسلیح کرده است. در برابر تبلیغات عراق علیه انقلاب اسلامی، ایران نیز رادیو عربی و صدا و سیما و رسانه‌ها را علیه حزب بعث عراق بکار گرفته است.

ایران در زمان شروع جنگ فاقد هرگونه راهبردی در برابر تهدید نظامی عراق بوده است. با شروع جنگ اقدامات ایران در برابر تهاجم ارتش عراق، "واکنشی" و "انفعالی" بوده است. ولی پس از گذشت چند روز از شروع جنگ، جمهوری اسلامی ایران آرام آرام توانسته است برای دفاع در برابر ارتش متجاوز عراق، چاره‌اندیشی کند. بنابراین راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران در آغاز جنگ در مقابل راهبرد تهاجمی عراق قرار داشته و یک "راهبرد تدافعی" بوده است. (محقق، ۱۳۹۳: ۱۰۴)

تمرکز راهبرد نظامی جمهوری اسلامی ایران در سال اول جنگ، جلوگیری از پیشروی ارتش عراق و متوقف و زمین‌گیر کردن قوای زرهی و پیاده نظام عراق و سپس بیرون راندن و اخراج ارتش متجاوز از خاک کشور عزیز بود. البته آقای محسن رضایی فرمانده کل سپاه در دوره جنگ بر این باور است که: "سال اول جنگ، راهبرد نظامی نداشتیم". (رضایی، ۱۳۹۵: <http://rezaee.ir/fa/news/3148>)

همان روزهای اول جنگ، راهبرد ارتش جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با حملات ارتش عراق، راهبرد انجام عملیات‌های منظم با طرح ریزی کلاسیک بود. در ۶ ماه اول جنگ، تقریباً کنترل جبهه‌ها در اختیار ارتش بود. نیروی هوایی و هوانیروز هم در پشتیبانی از واحدهای زمینی فعال بودند و در مقابله با پیشروی ارتش عراق در روزهای اول جنگ، نقش مهمی ایفا کردند و در این راه تلفات زیادی نیز دیدند. در سال اول جنگ، ارتش و سپاه مستقل از یکدیگر می‌جنگیدند و سپاه توانست به تدریج تا ۴۰ گردان رزمی را در تمامی جبهه‌ها سازماندهی نماید.

در سال دوم جنگ یک تحول اساسی در جبهه‌های جنگ رخ داد و ابتکار عمل به دست ایران افتاد. راهبرد ایران پس از متوقف کردن پیشروی ارتش عراق و تسلط بر جبهه‌ها، "آزادسازی" سرزمین‌های اشغالی و یا "دفع تجاوز" تعیین شد. با اجرای راهبرد "دفع تجاوز" از شهریور ماه سال ۱۳۶۰، ارتش و سپاه توانستند با هماهنگی با هم "فرماندهی مشترک" جبهه‌ها را شکل دهند. در رده قرارگاه‌ها و در رده یگان‌های عملیاتی نیز دو فرمانده ارتش و سپاه در کنار یکدیگر قرار می‌گرفتند و با هم تصمیم می‌گرفتند. آنها با هم کار می‌کردند و یک سلسله عملیاتی را به کمک و مشورت با یکدیگر طرح ریزی کردند و در جبهه جنوب به مرحله اجرا درآوردند. از این زمان به تدریج چهار عملیات بزرگ مشترک منظم و کلاسیک با اسامی ثامن الائمه، طریق القدس، فتح المبین و بیت المقدس توسط ارتش و سپاه با طرح ریزی و فرماندهی مشترک انجام شد. با پیروزی

این عملیات ها، عمده سرزمین های اشغالی ایران آزاد شد. پس از آزادسازی خرمشهر، ایران نتوانست از راهبرد تعاقبی استفاده کند تا به محض ایجاد هزیمت در قوای دشمن، از فرصت بوجود آمده بهره گرفته و به تعقیب ارتش متجاوز بپردازد. اگر ایران در زمان آزادسازی خرمشهر با کمبود نیروی رزمی مواجه نبود می توانست اهداف عملیات رمضان را در همان مرحله سوم عملیات بیت المقدس تأمین نماید. (موسوی قویدل، ۱۳۹۳: ۵۴۳)

پس از آزادسازی خرمشهر، امام خمینی مخالف ورود قوای ایران به داخل خاک عراق بودند و با راهبرد عدم عبور از مرز موافق بودند. آقای هاشمی رفسنجانی در این باره می گوید: "امام خمینی پس از آزادسازی خرمشهر خیلی صریح گفتند: "باید جنگ را ادامه دهیم ولی نباید وارد خاک عراق شویم". تصور امام این بود که می توان با همین فشارهای تهدیدی، حقوق خود را از عراق گرفت". (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۹: ۳۳۵) امام خمینی در اولین جلسه شورای عالی دفاع پس از آزادسازی خرمشهر از حاضرین پرسیده بودند:

۱- برای چه می خواهید از مرز عبور کنید؟

۲- چرا همین جا سر مرز تمام نمی کنید؟ همین جا بجنید.

۳- چرا می خواهید بروید داخل خاک عراق؟ (محقق، ۱۳۹۳: ۱۶۳)

اما مسئولین کشور با راهبرد عبور از مرز موافق بودند و با اتخاذ چنین راهبردی می خواستند جنگ را با گرفتن امتیازات لازم از عراق خاتمه دهند. آقای محسن رضایی در باره اظهارات آقای هاشمی رفسنجانی در جلسه دوم شورای عالی دفاع پس از آزادسازی خرمشهر می گوید: "آقای هاشمی گفت که ما باید برویم و یک نقطه ای مثل چاه های نفت مجنون را بگیریم که وقتی اعلام آتش بس می کنیم و پای میز مذاکره می رویم یک چیزی دستمان باشد تا بتوانیم به عراق فشار بیاوریم و حقوقمان را بگیریم". (محقق، ۱۳۹۳: ۱۶۳)

اکثر اعضای شورای عالی دفاع با راهبرد عبور از مرز موافق بودند و در نهایت نیز امام خمینی تن به اجرای چنین راهبردی داد. البته امام خمینی برای ورود به خاک عراق چند شرط به شرح زیر گذاشتند:

۱- به جاهای پر جمعیت مثل بصره وارد نشوید.

۲- سعی کنید به مردم آسیب نرسد.

۳- هر جا که می خواهید حمله کنید قبلاً به مردم اعلان کنید تا مردم، آن منطقه را ترک کنند.

(هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۹: ۳۳۶)

طبیعی است که اجرای راهبرد "عبور از مرز" منجر به ختم جنگ نمی شد و هر دو کشور را به وادی یک جنگ طولانی، پرتلفات و فرسایشی می کشاند که خروج از آن نیاز به یک تصمیم گیری بزرگ داشت. در همین حال فرمانده کل سپاه معتقد به اتخاذ راهبرد نظامی تا سقوط صدام بود و بر این باور بود که "اگر بعد از آزادسازی خرمشهر ما استراتژی نظامی را می پذیرفتیم و سقوط صدام و گرفتن شهرهای اصلی عراق را برنامه ریزی کرده بودیم، این جنگ هم زودتر تمام می شد و هم با موفقیت بیشتری تمام می شد. یعنی اگر ما استراتژی سیاسی را که انجام عملیات برای دستیابی به یک صلح شرافتمندانه را کنار گذاشته بودیم و می جنگیدیم برای برای سقوط صدام، هم جنگ زودتر تمام می شد و هم موفقیت ما خیلی بیشتر بود." (رضایی، ۱۳۸۸: ۲۴)

اما با شکست در عملیات رمضان، استراتژی جنگی ایران، تصرف منطقه‌ای با ارزش استراتژیک نظامی یا اقتصادی در عمق خاک عراق بوده است تا از آن به عنوان پشتوانه ای برای چانه زنی‌های سیاسی به منظور پایان دادن به جنگ از موضع برتر بهره گیرد. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۲: ۸۹) با چنین راهبردی عملیات‌های والفجر مقدماتی، خیبر، بدر و والفجر ۸ از اواخر سال ۱۳۶۱ تا آخر سال ۱۳۶۴ انجام شد. با تداوم جنگ پس از عملیات والفجر ۸، کارت‌های پیروزی ایران در جبهه و کسب برتری رزمی به تاریخ انقضای خود نزدیک شد و دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران متناسب با تحولات نظامی در جبهه‌ها و مبتنی بر شرایط مکانی و زمانی نتوانست خود را به روز کند و راهی برای پایان دادن به جنگ پیدا کند. لذا شدت گرفتن جنگ و توسعه جبهه‌های درگیری باعث وسعت یافتن و گسترش جنگ به خلیج فارس و به شهرها شد و عملاً بهره‌گیری از این راهبرد را با بن بست مواجه کرد. بنابراین عدم مدیریت سیاست خارجی و نیز حجم بالای حملات عراق در خلیج فارس و بمباران مناطق مسکونی و تأسیسات صنعتی ایران سبب شد تا ایران نتواند از کارت‌های موفقیت خود در جبهه‌های جنگ زمینی به درستی استفاده کند.

به هر حال پس از عبور قوای ایران از اروندرود در اواخر بهمن ماه سال ۱۳۶۴ و ناتوانی عراق در بازپس‌گیری فاو، راهبرد عراق توسعه جنگ در خلیج فارس تعیین شد. به این ترتیب ارتش عراق از بهار سال ۱۳۶۵ حمله به نفتکش‌ها و پایانه‌های نفتی ایران در خلیج فارس را شدت بخشید. ارتش عراق در این حملات علاوه بر بهره‌گیری از میگ‌های ۲۵ روسی از جنگنده بمب افکن‌های فرانسوی و موشک‌های آگزوسه استفاده می‌کرد. فرانسه در سال ۱۹۸۶ حدود ۲۷۰ فروند موشک آگزوسه به عراق تحویل داد. (تیمرن، ۱۳۷۳: ۴۵۴)

با تحویل گیری بمب های لیزری از فرانسه، نیروی هوایی عراق توانست جنگ نفتکش ها را به صورت گسترده تری در خلیج فارس به جریان بیندازد. در چنین وضعیتی بود که نیروی دریایی تازه تشکیل شده سپاه، راهبرد "جنگ نامتقارن" را برای مقابله با راهبرد عراق و نیز حمایت های قدرت های بزرگ مثل آمریکا و شوروی از عراق در جریان جنگ نفتکش ها در پیش گرفت. راهبرد نامتقارن در تمامی سطوح و ابعاد جنگ اعم از سطوح استراتژیک، عملیاتی و تاکتیکی در طیف نظامی گسترده ای کاربرد دارد. (2: Joint Strategy Review, 1999)

راهبرد ایران در سال های آخر جنگ تداوم نبرد تا کنار رفتن صدام و حزب بعث از قدرت و تنبیه متجاوز و تحقق سایر شرایط ایران بود. برآورد فرمانده سپاه برای ساقط کردن صدام، بسیج ظرفیت های کشور در جنگ و طرح ریزی مجموعه عملیات هایی با بکارگیری ۱۵۰۰ گردان رزمی بود که از نظر مسئولین کشور امکان تدارک و تجهیز چنین نیرویی وجود نداشت. در واقع این برآورد بر اساس حرکت به سمت بغداد انجام شده بود. (محقق، ۱۳۹۳: ۱۷۰) اما توان کشور حداکثر برای انجام یک عملیات بزرگ سرنوشت ساز کفایت می کرد. ایران در سال ۱۳۶۶ به دنبال پیروزی نظامی بود. رئیس جمهور نیز در این باره در اوایل بهمن ماه سال ۱۳۶۶ می گوید: "ما تا رسیدن به پیروزی قطعی نظامی دست بردار نیستیم". (اردستانی و ایزدی، ۱۳۹۸: ۴۳۷)

اما عراق در سال هشتم جنگ تصمیم گرفت تا راهبرد نظامی خود را تغییر دهد. عراق راهبرد "فشار همه جانبه" علیه ایران را اتخاذ کرد. بر اساس این راهبرد جنگ شهرها توسعه یافت و حملات موشکی به شهرهای تهران و قم و شیراز نیز انجام شد. از طرفی حملات در خلیج فارس افزایش یافت و جنگ نفتکش ها برای قطع صادرات نفت ایران و خشکانده شدن منابع درآمد ارزی ایران لاینقطع با حمایت شوروی و آمریکا و اروپا ادامه یافت. در چنین شرایطی راهبرد ایران "صبر و مقاومت" بود. (صحیفه امام، جلد ۲۰: ۱۹۶ تا ۲۰۱) اما علیرغم مقاومت های انجام شده و تحمل تلفات و خسارت های فراوان، در عمل چنین راهبردی، نتوانست ابتکار عمل نظامی را در اختیار ایران قرار دهد و موازنه قوا را به نفع جمهوری اسلامی ایران تغییر دهد.

از اوایل فروردین ماه سال ۱۳۳۷، جمهوری اسلامی ایران در تنگنای شدید "نظامی"، "اقتصادی" و "سیاسی" و بین المللی قرار گرفت. از آخر فروردین ماه سال ۱۳۳۷ که ارتش عراق به فاو حمله کرد و آن را پس گرفت، قوای ایران دچار شکست های فاحش شدند و این شکست ها به مدت حدود دو ماه و نیم تداوم یافت و باعث شد تا ایران تمام سرزمین های تصرف کرده از عراق را واگذار کند و حدود ۲۳ هزار نفر اسیر بدهد.

آگاهی از شکست های فاجعه بار در جبهه ها، باعث تحول در اندیشه امام خمینی و تغییر در نگرش^۱ مسئولین کشور نسبت به چگونگی تداوم جنگ و ابهام در موفقیت راهبرد قبلی شد. به هر حال پس از شکست های سنگین نظامی ایران و از دست دادن تمامی سرزمین های تصرف شده عراق، جمهوری اسلامی ایران ناچار به تغییر راهبرد دفاعی شد. در چنین وضعیتی، راهبرد ایران "جا خالی دادن"^۲ در برابر راهبرد تهاجمی مجدد عراق با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ به منظور خاتمه دادن به جنگ بود. اتخاذ این راهبرد برای جلوگیری از شکست و عدم امید به پیروزی نظامی در جنگ بود. امام خمینی از این زمان به بعد، پیروزی را در "نجنگیدن" با قوای نظامی دشمن می دانست. ایشان به این نتیجه رسید که "اجتناب از جنگ"، سرانجام دشمن را به شکست می کشاند. در واقع امام خمینی با پذیرش آتش بس دست به یک "انتخاب استراتژیک" زد و توانست محیط منازعه و جنگ را به محیط "ترک مخاصمه" تغییر دهد و راه را برای نیل به آتش بس و صلح باز کند.

در این باره آیت الله خامنه ای در پیام خود در ۱۳۶۷/۶/۳۰ مرقوم نموده اند: "قبول قطعنامه ۵۹۸ از سوی جمهوری اسلامی و رهبر عظیم الشان فقید آن، توطئه وسیع دشمن را بار دیگر با هدایت الهی به خود او برگرداند و دشمن را که تحت شعار صلح طلبی به هر جنایتی دست می زد، خلع شعار کرد. شاید مشیت الهی بر این بود که با قبول قطعنامه، حقانیت جمهوری اسلامی بیش از پیش در جهان آشکار شود و ملت ایران به هدف های اساسی خود در سطح بین المللی نزدیک تر گردد. (حدیث ولایت، جلد دوم: ۱۵۱)

پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸، راهبرد ایران، "خاتمه دادن به جنگ" و رسیدن به "صلح پایدار" با عراق بود. ایران به دنبال آن بود تا عراق هم عملاً قطعنامه را بپذیرد و در جبهه ها آتش بس برقرار شود. (صحیفه امام، جلد ۲۱: ۱۰۱) اما عراق به دنبال آن بود تا پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران، با حملات جدیدی، سرزمین های بیشتری از استان خوزستان بویژه خرمشهر را به اشغال خود درآورد. ارتش عراق دوباره اقدام به پیشروی در خاک ایران کرد و خود را به رودخانه کارون رسانید.

در همین حال یک بار دیگر مردم بسیج شدند و به جبهه ها شتافتند. رئیس جمهور عازم اهواز شد. ایشان پس از مشاهده فداکاری های رزمندگان، طی تماسی با آقای هاشمی رفسنجانی و نیز با فرزند امام پیشنهاد کرده بود که ایران عملیات خود را ادامه دهد. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۰: ۲۴۹)

^۱- Paradigm Shift

احمد آقا این درخواست را با امام خمینی در میان گذاشت و ایشان پیام ذیل را در روز سه شنبه ۱۳۶۷/۵/۱۱ از طریق استاندار خوزستان آقای محسن میردامادی برای حجت الاسلام خامنه ای ارسال نمودند: "پس از سلام، پیغام شما را به حضرت امام رساندم که رزمندگان آماده هستند عملیات کنند. حضرت امام فرمودند که به هیچ وجه به خاک عراق حمله نکنید. حتی گلوله ای به طرف آنها شلیک نکنید. در صورتی که بمباران کردند، شما هم اگر صلاح دانستید دستور بمباران را بدهید. شما نیرو مهیا داشته باشید در صورتی که آنها حمله کردند و زمینی را تصرف کردند، شما هم به آنها حمله کنید. من اعلام کرده ام که قبول قطعنامه، تاکتیکی نیست. حمله نقض آن است، قبل و بعد آتش بس ندارد." (مجله نگاه، ۱۳۸۱: ۷۷)

در مجموع راهبرد ایران در پذیرش آتش بس در چارچوب قطعنامه ۵۹۸ به نتیجه مطلوب رسید به طوری که عراق در سال ۱۳۶۹ مجبور شد طی نامه نگاری هایی با رئیس جمهور ایران، اعلام کند که شما به همه خواسته های خودتان رسیدید و ما بدون هیچ شرطی آزادی اسرا را آغاز می کنیم و نیروهایمان را از خاک ایران بیرون می بریم. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۹: ۲۷۱)

تجربه پذیرش قطعنامه ۵۹۸ نشان داد که تنها با تکیه بر "قدرت نظامی" نمی توان ارتش متجاوز را شکست داد و پیروز نهایی میدان جنگ شد. برای تداوم جنگ نیاز به "قدرت اقتصادی"، "سرمایه اجتماعی" و عدم مخالفت قدرت های حاکم بر جهان با کشور قربانی تجاوز است. بر همین اساس بود که امام خمینی پس از خاتمه یافتن جنگ، راهبرد "دفاع همه جانبه" را به عنوان استراتژی ملی کشور اعلام کردند. (صحیفه امام، جلد ۲۱: ۱۳۴)

راهبرد جمهوری اسلامی ایران پس از برقراری آتش بس، "صبر و انتظار و مدارا" برای پیش آمدن فرصت مناسب جهت بازگشت عراق به معاهده ۱۹۷۵ الجزیره بود. این فرصت در زمانی که صدام تصمیم گرفت به کویت حمله کند و آن کشور را به اشغال خود درآورد برای ایران فراهم شد. مکاتبات صدام حسین با رهبری و رئیس جمهور ایران که از دوم اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۹ شروع شد و تا مرداد ماه همان سال ادامه یافت موجب شد تا جمهوری اسلامی ایران به پیروزی بزرگی دست یابد و صدام معاهده ۱۹۷۵ را دوباره بپذیرد و آن را معتبر اعلام کند و به شکست تن دهد.

یافته های تحقیق

فهم و درک درست و جامع از تحولات جبهه های جنگ ایران و عراق نیازمند ابزار و سازوکاری

است تا به مجموعه یافته ها و دانسته های علاقمندان به این موضوع نظم و شکل درست ببخشد. بررسی "راهبردها" ی اتخاذ شده در دوره جنگ تحمیلی دقیقاً چنین کارکردی را دارند. در واقع محققین، اندیشه ورزان و متفکرین در بررسی راهبردهای مختلف به درستی بر این امر تأکید می کنند که پدیده های رخ داده در دوره دفاع مقدس تحت تأثیر عوامل و متغیرهای متعددی از جمله راهبردهای "طرفین مخاصمه" هستند، لذا فهم دلایل و چگونگی اتخاذ "راهبردها"، ملاک و معیارهای لازم برای تشخیص و انتخاب عوامل و متغیرهای مهم و اصلی را در اختیار پژوهشگران قرار می دهد. بر همین اساس است که اندیشمندان حوزه فرماندهی و ستاد و محققین نظامی در بررسی کارکرد راهبردهای نظامی بر "مفید بودن" و "کاربردی بودن" فهم راهبردها تأکید دارند.

در بررسی های انجام شده در این تحقیق مشخص گردید که جمهوری اسلامی ایران راهبردهای دفاعی و نظامی خود در دوره جنگ تحمیلی را بر روی کاغذ نیاورده و مکتوب نکرده است. شرح مذاکرات شورای عالی دفاع نیز تا کنون منتشر نشده است. آنچه در اسناد و مدارک سپاه پاسداران و ارتش یافت شده است بیشتر در باره طرح ریزی های عملیاتی و چگونگی و شرح انجام عملیات های مختلف است.

راهبرد اصلی دفاعی ایران در طول دوره جنگ ثابت بوده است، البته راهبردهای نظامی و عملیاتی جمهوری اسلامی ایران در دوران مختلف جنگ تغییر کرده است و متناسب با اوضاع جبهه ها، راهبردها و راهکارهای مختلفی برای مقابله با ارتش عراق اتخاذ شده است.

راهبرد اصلی دفاعی ایران را که تا آخر جنگ تقریباً تغییر چندانی در آن ایجاد نشده، می توان با برداشت از سخنان و پیام های حضرت امام خمینی و نیز اعضای شورای عالی دفاع دارای چارچوبی به شرح زیر دانست:

۱- عدم پذیرش آتش بس تا زمانی که یک نظامی و یک سرباز عراقی در خاک ایران حضور

دارد. (روزنامه جمهوری اسلامی، نهم اسفند ماه ۱۳۵۹: ۳)

۲- نترسیدن از جنگ و دفع تجاوز دشمن (صحیفه امام، جلد ۱۳: ۲۵۲)

۳- حفظ تمامیت ارضی ایران (صحیفه امام، جلد ۱۳: ۲۴۳)

۴- عدم پذیرش در تغییر مرزهای کشور با عراق به خصوص در اروند رود و تأکید بر خط

تالوگ در شناسایی مرز اروند رود

۵- وادار کردن عراق به پذیرش معاهده ۱۹۷۵ که مبنای حقوقی مرزهای ایران و عراق است و صدام

حسین چهار روز قبل از شروع جنگ آن را ملغی اعلام کرده بود. (بشیری، ۱۳۸۴: ۳۸۱)

۶- مشخص شدن عراق به عنوان متجاوز در جنگ از سوی مجامع رسمی بین المللی مانند

سازمان ملل متحد (ولایتی، ۱۳۹۳: ۳۱۶)

۷- تنبیه و کیفر متجاوز (حدیث ولایت، جلد دوم: ۱۵۱)

۸- تعیین گرامت و دریافت خسارات ناشی از جنگ از دولت متجاوز (هاشمی رفسنجانی،

۱۳۹۹: ۱۰۶)

۹- رسیدن به صلح پایدار با پشیمان کردن دشمن از آغاز و تحمیل جنگ بر ایران (هاشمی

رفسنجانی، ۱۳۸۴: ۲۱۸)

۱۰- تکیه بر قدرت مردم و ایجاد توان رزمی جدید برای دفاع در برابر ارتش متجاوز با اتکاء

بر ظرفیت نیروهای داوطلب

۱۱- صبر و مقاومت در جنگ برای نیل به اهداف دفاع مقدس حتی اگر جنگ ۲۰ سال طول

بکشد. (صحیفه امام، جلد ۱۳: ۳۱۵)

با توضیحاتی که در باره راهبردهای ایران در دوره جنگ ارائه شد، می توان گفت که راهبردهای "سدّ

پیشروی" قوای دشمن و نیز "عدم پذیرش آتش بس" با وجود قوای ارتش عراق در خاک ایران و

همچنین راهبردهای "دفع تجاوز" و "حفظ تمامیت ارضی" ایران همگی به نتیجه رسیده و موفق بوده

اند. اما راهبرد ادامه جنگ پس از آزادسازی خرمشهر برای "تنبیه متجاوز" دستاورد چندانی نداشته است.

راهبرد جمهوری اسلامی ایران پس از آزادسازی خرمشهر پایان دادن به عملیات نظامی و تلاش برای

ختم جنگ از راه سیاسی و انجام مذاکره نبوده است و جنگ در خاک ایران و عراق ادامه یافته است.

راهبرد ایران پس از آزادسازی خرمشهر در عمل مکمل و مدد کار یک دیپلماسی موثر برای

پایان بخشیدن پیروزمندانه به جنگ نبوده است. آنچه از مواضع و اقدامات دستگاه سیاست خارجی

ایران مشاهده شده است، حکایت از تمایل و اراده صریحی برای به جریان انداختن فرآیند سیاسی

برای خاتمه دادن به جنگ با بهره گیری از عملیات بیت المقدس نبوده است. بنابراین راهبرد

دیپلماسی ایران در آن زمان موفقیتی کسب نکرده است.

راهبرد ایران از عملیات رمضان در ۲۳ تیر ماه سال ۱۳۶۱ تا انجام عملیات والفجر ۸ در ۲۰

بهمن ماه سال ۱۳۶۴ جهت تداوم عملیات کلاسیک به منظور کسب یک پیروزی بزرگ به طور

مرتب شکست خورده است. ایران در عملیات های رمضان، والفجر مقدماتی، والفجر ۱، خیبر و بدر

دچار شکست های بزرگی شد و تلفات سنگینی داد و به دلیل بروز اختلافات تاکتیکی بین ارتش و

سپاه، عملاً شیوه فرماندهی مشترک نیز به شکست انجامید.

اما انجام عملیات والفجر ۸ گرچه با تلفات سنگینی همراه بود ولی پیروزی میدانی بزرگی برای ایران به ارمغان آورد. زیرا ارتباط عراق با خلیج فارس قطع شد و عراق به یک کشور محاط در خشکی تبدیل شد و ایران توانست دهانه اروندرود را به طور کامل به تصرف خود درآورد و بهانه شروع جنگ را از دست عراق بگیرد و حال این عراق بود که باید برای معتبر بودن معاهده ۱۹۷۵ تلاش می کرد. بنابراین راهبرد انجام یک عملیات بزرگ موفق به نتیجه رسید، گرچه دستاوردی که بتواند منجر به ختم جنگ شود نداشت. زیرا دستگاه سیاست خارجی ایران نتوانست با طرحی مشخص از ابزار دیپلماسی به موقع بهره برداری لازم را بکند.

از طرفی عملیات های کربلا ۴ و کربلا ۵ در سال ۱۳۶۵ نشان داد که ایران بدون تحمل تلفات سنگین قادر به پیشروی در خاک عراق نیست. در جریان عملیات کربلا ۴ بدون هیچگونه موفقیتی نزدیک به ۱۰۰۰ نفر از رزمندگان شهید شدند. در عملیات کربلا ۵ هم در ۱۲ کیلومتر پیشروی، حدود ۱۲ هزار انسان عزیز به خاک افتادند. (رشید، ۱۳۸۸: ۱۳۰)

اما پس از تهاجم ارتش عراق و شکست های نظامی فاحش که از آخر فروردین ماه تا تیر ماه سال ۱۳۶۷ به وقوع پیوست، ایران با تغییر پارادایم و نگرش خود نسبت به چگونگی خاتمه دادن به جنگ، راهبرد جدیدی را در تداوم جنگ اتخاذ کرد و با پذیرش فرآیند سیاسی و قبول قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل به جنگ تحمیلی خاتمه داد. بنابراین اتخاذ راهبرد خاتمه دادن به جنگ از طریق پذیرش قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل هم قرین موفقیت و توفیق بوده است. چنین راهبردی توانست به تحمیل تلفات و خسارت های بیشتر و تداوم جنگ پایان دهد.

نتیجه گیری

با توجه به راهبردهای فوق، جمهوری اسلامی ایران راهبرد عراق که برقراری آتش بس بین دو کشور پس از اشغال حدود ۲۰ هزار کیلومتر مربع از سرزمین های استان های مرزی بود را بی اثر کرد و به تمامی هیئت های صلح اعلام کرد که تنها راه پذیرش آتش بس توسط ایران، "خروج بی قید و شرط ارتش عراق از خاک ایران" است. همچنین ایران مذاکره مستقیم با عراق را قبل از بیرون راندن قوای متجاوز از خاک خود نپذیرفت و بر "اعتبار معاهده ۱۹۷۵" در تلاش های بین المللی تأکید کرد. ایران نتوانست با اتخاذ راهبرد "تکیه بر ظرفیت های ملی" ظرف دو سال اول جنگ، عمده سرزمین های خود را از دست نیروهای دولت متجاوز آزاد نماید و ارتش عراق را به اتخاذ راهبرد دفاعی در جبهه ها وادار کند. طی چهار

عملیاتی که با اسامی ثامن الائمه(ع)، طریق القدس، فتح المبین در سال دوم جنگ با همدلی و همکاری ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی انجام شد، اکثر شهرها و روستاهای اشغالی ایران از جمله خرمشهر، سوسنگرد، بستان، مهران، هویزه، سرپل ذهاب، گیلانغرب و ... آزاد شد و در مراحل ارتش عراق به سمت مناطق مرزی فرار کرد. پس از آزادسازی خرمشهر و عبور قوای ایران از مرز یعنی از تابستان سال ۱۳۶۱، جنگ فرسایشی شد و در راهبردهای عملیاتی ایران تغییراتی اتفاق افتاد. از این زمان بود که چگونگی پایان دادن به جنگ از مهمترین موضوعات تأثیرگذار در راهبرد نظامی ایران بوده است.

در آن زمان دو راهبرد به شرح ذیل مورد توجه مسئولین کشور قرار گرفت.

- ۱- راهبرد شکست ارتش عراق به منظور قدرت یافتن مردم عراق جهت سرنگونی صدام حسین
- ۲- راهبرد انجام یک عملیات بزرگ سرنوشت ساز به منظور تسلیم حکومت عراق در برابر شرایط ایران برای پایان دادن به جنگ

گرچه فرماندهان جبهه ها در ابتدا برای تحقق راهبرد اول تلاش کردند، اما سیاست دفاعی ارتش عراق و تجهیز قوای نظامی دشمن به پیشرفته ترین جنگنده های فرانسوی و مدرن ترین تانک ها، نفربرها و توپ های روسی و نیز سرازیر شدن کمک های مالی کشورهایمانند عربستان، امارات و کویت و همچنین پشتیبانی اطلاعاتی و سیاسی و تبلیغاتی آمریکا از عراق و ایجاد محدودیت های بین المللی گسترده برای ایران و نیز ناتوانی اقتصاد کشور، مانع از تحقق راهبرد اول شد.

بنابراین از اوایل سال ۱۳۶۶، مداخله آمریکا و شوروی در خلیج فارس در حمایت از نا امن سازی خطوط کشتیرانی توسط عراق با اسکورت نفتکش های کویتی آغاز شد.

این مداخله که از زمان تصویب قطعنامه ۵۹۸ توسط شورای امنیت سازمان ملل در آخر تیر ماه ۱۳۶۶، به صورت جدی تری شروع شد به مدت یکسال طول کشید و کمک زیادی به صدام حسین در پایداری در مقابل رزمندگان اسلام کرد. اما با تصویب قطعنامه ۵۹۸، راهبرد ایران عدم رد این قطعنامه به عنوان حفظ راهی سیاسی برای خروج از بن بست احتمالی جنگ بود. سرانجام پس از یکسال از صدور آن، جمهوری اسلامی ایران در ۲۷ تیر ماه ۱۳۶۷ با پذیرش قطعنامه ۵۹۸، راه را برای خاتمه جنگ ۸ ساله باز کرد و در نهایت جنگ با مداخله شورای امنیت سازمان ملل به پایان رسید.

پس از پایان جنگ همچنان ایران برای اجرایی کردن راهبردهای اولیه تلاش کرده است که به اکثر آنها نیز دست یافته است، اما تا کنون نتوانسته است خسارات جنگ را جبران کند و غرامت جنگی را از کشور متجاوز باز ستاند. این در حالی است که دولت کویت تا کنون نتوانسته است در

حدود ۴۲ میلیارد دلار خسارت جنگی از عراق آنهم پس از سقوط صدام حسین دریافت کند. در مجموع با توضیحات ارائه شده در فوق و در فصول قبلی می توان تمام راهبردهای دفاعی ایران در دوره جنگ را به نوعی "راهبرد تقابلی" در برابر راهبردهای نظامی از قبل برنامه ریزی شده عراق دانست. ایران در برابر تهاجم ارتش عراق با اتخاذ "راهبرد تدافعی" در برابر پیشروی ارتش بعثی از تمامیت ارضی خود دفاع کرده است. اما با زمین گیر شدن ارتش عراق در خاک ایران و گرفتن آرایش پدافندی، ایران "راهبرد تهاجمی" را برگزید.

پس از آزادسازی اکثر سرزمین های اشغالی و از زمانی که عراق "استراتژی تدافعی" در همه جبهه ها را برگزید، ایران "راهبرد تهاجمی" را برای تداوم پیشروی به مواضع دشمن اتخاذ کرده است. در ماه های پایانی جنگ هم که راهبرد عراق دوباره تهاجمی شد، ایران نیز راهبرد نظامی خود را بناچار تغییر داده و "استراتژی تدافعی" را برگزیده است تا جلوی پیشروی بیشتر ارتش عراق به درون مواضع خود را بگیرد. بنابراین می توان گفت که راهبردهای ایران واکنشی نسبت به راهبردهای عراق بوده و در واقع راهبرد "انعکاسی" بوده است.

با توجه به انجام این پژوهش، پیشنهاد این است که راهبردهای عراق در دوره جنگ تحمیلی نیز هدف تحقیق و بررسی قرار گیرد و نقاط قوت و ضعف آنها مشخص گردد تا بتوان به مبانی و اصول چگونگی اتخاذ تصمیمات استراتژیک توسط آن کشور پی برد و از آن برای آینده امنیت کشور بهره برد. باید بینم دشمن، ایران را چگونه می دیده است که چنین راهبردهایی را اتخاذ کرده است و چه اتفاقاتی در ایران باید می افتاد تا دشمن راهبرد خود را از جنگیدن با جمهوری اسلامی ایران تغییر می داد و پای میز مذاکره می آمد و یا به معاهده مرزی خود با ایران وفادار می ماند؟

کتابنامه

اردستانی، حسین و ایزدی، یدالله (۱۳۹۸). روز شمار جنگ ایران و عراق، کتاب پنجاه و سوم، جلد ۱، نبرد بزرگ زمستانی در جبهه شمالی، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه.

تیمرمین کنت آر (۱۳۷۳). سوداگری مرگ، ترجمه احمد تدین، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.

حدیث ولایت، (۱۳۷۷). مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری، جلدهای ۱ تا ۸، چاپ دوم، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.

رشید غلامعلی، (۱۳۸۱). آغاز و پایان جنگ، درج شده در کتاب ما و جنگ، به کوشش مهدی بهداروند، تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات دفاع مقدس.

رضایی محسن (۱۳۸۸). بررسی ابعاد اجتماعی جنگ، درج شده در کتاب ما و جنگ، به کوشش مهدی بهداروند، تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات دفاع مقدس.

رضایی محسن (۱۳۹۵). ناگفته های جنگ، خبرگزاری فارس، کد خبر: ۳۱۴۸، ۴ مهر ماه ۱۳۹۵، به نشانی:

<http://rezaee.ir/fa/news/3148/>

روزنامه جمهوری اسلامی (۱۳۵۹)، تهران.

صحیفه امام (۱۳۷۸). مجموعه آثار امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، جلدهای ۱ تا ۲۲.

صفوی یحیی (۱۳۹۹). از جنوب لبنان تا جنوب ایران، تدوین: مجید نجف پور، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ چهارم.

مجله نگاه (۱۳۸۱). سال سوم، شماره ۳۶، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، شهریور ماه.

محقق، محمدحسن (۱۳۹۳). اسرار مکتوم، ناگفته های دفاع هشت ساله، تهران: نشر بعثت.

موسوی قوبیل، علی اکبر (۱۳۹۳). فصل بیست و یکم کتاب اسرار مکتوم، نگارش محمد حسن محقق، تهران: نشر بعثت.

ولایتی علی اکبر، (۱۳۹۳). فصل دهم کتاب اسرار مکتوم، نگارش محمد حسن محقق، تهران: نشر بعثت.

هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۴). انقلاب در بحران، کارنامه و خاطرات سال ۱۳۵۹، به کوشش: عباس بشیری، تهران، دفتر نشر معارف انقلاب.

هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۹۰). پایان دفاع آغاز بازسازی، کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۷، تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.

هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۹۹). ۶۱ مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی، تهران: سازمان انتشارات روزنامه جمهوری اسلامی.

هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۲). مصاحبه با روزنامه کیهان، نگین ایران، فصلنامه مطالعات و تحقیقات جنگ، دوره ۲، شماره ۷.

Bracker, J (1980). The historical development of strategic management concept, Academy of Management Review

Joint Strategy Review (1999). Washington, DC: The Joint Staff,

Chakravarthy, B. and Henderson, J (2007). "From a hierarchy to a hierarchy of strategies: adapting to a changing context", Management Decision, 45(3), pp. 642-652.